

The influence of the world view of the Turks - Seljuks in the
architecture of tombs of religious persons in Eurasia (11 - 14 AD)¹

Zhengis Zhomart Zhengisuly
Nazanin Safaee ²

Abstract

Tower mausoleums built during the reign of the Turkish dynasties such as the Ghaznavians, Seljukians and Ilkhanians found on the vast expanse of Iran and the neighboring territories - in the Caucasus, in Afghanistan. It revealed that the architectural monuments of this type were built in the Eurasian steppes, in Kazakhstan long before Islam. It was found that the appearance of the tower mausoleums in Iran, one of the manifestations of Turkish-Iranian cultural symbiosis. It turned out that during the construction of the first monuments of this type according to the time of the first Turkic tribes in Iran. In this article, based on the study of architectural monuments, namely, tower mausoleums built on the territory of Iran and Kazakhstan are characterized by relations of Islamic culture and the nomadic civilization in the X-XIV centuries. Attention is drawn to the spiritual and cultural consequences of the conquest of the Turks of Iran. For example, the tower mausoleums built in the Eurasian steppes, traced the cultural heritage of Central Asian nomads in Iran. It revealed that these architectural monuments has a direct relationship with the traditional dwelling of Turkic yurt, which is in turn associated with the outlook of nomads. Yurt is a monument of material culture of the Turkish-

1. This article is a translation of article “The influence of the world view of the Turks-Seljuks in the architecture of Tombs of religious persons in Eurasia “written by Zengis Zhomart Zhengisuly, published in the Kazakhstan, Otan tarihy, Vol.26.2, pp:422-436-2023

Journal homepage:<https://otan.history.iie.kz>

² Lecture of History Payam-e noor University of Tehran, Tehran, Iran. safaee@pnu.ac.ir

Date received: 28/6/2024, Date of acceptance: 20/8/2024



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Mongol ethnic groups cultivated space nomads, a microcosm of the world, where the family lives, where the nomad is born, grows, creates a family, there is a transfer of values goes to the other world. The results obtained allowed to cover the value of the traditional world of the nomads in the development of this component of the material culture of Iranians

Key words: Islamic civilization, medieval architecture of Iran, tower tombs, nomadic culture, traditional dwelling of the nomads, Turks worldview, worldview of the Turks.

مطالعات سلجوقیان، سالنامه علمی (مقاله علمی - تخصصی) سال سوم، شماره سوم، ۱۴۰۳، ۸۳-۶۸

تأثیر جهان بینی ترکها - سلجوقیان بر معماری مقبره‌های مذهبی منطقه اوراسیا، در قرون ۱۰ تا ۱۴ م.^۳

ژنگیس ژومارت ژنگیسولی

نازنین صفایی (مترجم)^۴

چکیده

مقبره‌های برجی که در دوران سلطنت سلسله‌های ترک، مانند غزنویان، سلجوقیان و ایلخانیان، ساخته شده‌اند را می‌توان در گستره وسیع ایران و سرزمین‌های مجاور (قفقاز و افغانستان) مشاهده کرد. مشخص شده است که بناهای معماری از این دست، خیلی قبل‌تر از اسلام در نواحی هموار اوراسیا، در قزاقستان، ساخته می‌شدند و ظهور مقبره‌های برجی در ایران یکی از مظاهر هم‌زیستی فرهنگی ترک‌ها و ایرانیان است. با توجه به زمان ساخت اولین بناهای تاریخی از این دست که هم‌زمان با حضور اولین قبایل ترک در ایران است، می‌توان به این مسئله پی برد. این مقاله با مطالعه معماری مقبره‌ها و به‌طور خاص، مقبره‌های برجی قلمروهای سرزمینی ایران و قزاقستان، به

^۳ این مقاله برگردان مقاله "The influence of the world view of the Turks-Seljuks in the architecture of Tomb of religious persons in Eurasia" تألیف ژنگیس ژومارت ژنگیسولی است که در مجله (Otan Tarihy) چاپ قزاقستان، شماره ۲۶، صفحه ۴۲۲-۴۳۶ و در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است.

^۴ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، safaee@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۳۰



رابطه فرهنگ اسلامی و تمدن عشایری در قرون دهم تا چهاردهم می‌پردازد. توجه اصلی آن بر تأثیرات معنوی و فرهنگی استیلای ترکان بر ایران است. به‌عنوان مثال، مقبره‌های برجی که در سرزمین‌های هموار اوراسیا ساخته شده‌اند، میراث فرهنگی عشایر آسیای مرکزی در ایران هستند. معلوم شده است که بناهای این مقبره‌ها رابطه مستقیمی با خانه‌های سنتی یورت ترکی دارد که به نوبه خود با دورنمای عشایر در ارتباط هستند. یورت یادگار فرهنگ مادی اقوام ترک‌مغول است که در فضای عشایری ایجاد شده است؛ نمونه‌ای کوچک از جهان که خانواده‌ها در آن زندگی می‌کنند، عشایر در آن به دنیا می‌آیند، پرورش می‌یابند، خانواده تشکیل می‌دهند، و ارزش‌هایی منتقل می‌شوند که به جهان دیگری تعلق دارند. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده ارزش دنیای سنتی عشایر در توسعه این مؤلفه از فرهنگ مادی ایرانیان است.

واژه‌های کلیدی: تمدن اسلامی، معماری قرون میانی ایران، مقبره‌های برجی، فرهنگ عشایری، خانه‌های سنتی عشایر، جهان‌بینی ترکی، جهان‌بینی ترک‌ها.

۱. مقدمه

ترک‌ها در پی تسلط بر ایران و غرب آسیا، دولت‌های خود را در این سرزمین‌ها مستقر و مؤلفه‌های فرهنگ منحصربه‌فرد عشایری خود را وارد قلمروهای تحت کنترل خود کردند که سهم به‌سزایی در توسعه تمدن اسلامی داشته است. پس از آن‌که با استفاده از نظمی واحد، مردم تحت کنترل خود را در قالب حکومتی متمرکز متحد کردند، به توسعه فرهنگ این مردم علاقه نشان دادند.

عبدالحسین زرین‌کوب، مورخ ایرانی می‌نویسد: «ویژگی اصلی امپراتوری اسلامی، بنیاد فرهنگی جدید بر مبنای میراث و سنت‌های اقوام و جوامع مختلف است. در اسلام، دین و هنر مکمل یکدیگرند. معماری دمشق نشانه‌های ثروت و رفاه را به

اسلام بخشید، معماری ترکی و عثمانی قدرت بخشید و معماری ایرانی لطافت و زیبایی بخشید.» (زرین کوب، ۱۹۹۷: ۳۰)

روش‌ها و مواد: در رابطه با تأثیر فرهنگ عشایر ترک بر معماری آن عصر ایران، ظاهراً وجود جهت‌گیری‌هایی به سمت معماری‌های عشایر ترک در سبک ساختمان‌ها، پدیده‌ای کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد. در همین رابطه ا. جانی‌بک‌اف (O. Zhanibekov) دانشمند و چهره شناخته‌شده قزاقستان معتقد است: «در پاسخ به این سؤال که چه سهمی در تمدن جهان داشته‌ایم، نگاهم به معماری محلی (قومی) است. یورت‌های قزاقستانی که از نظر ساختار و تزئینات، به عنوان خانه‌های تاشو (مساکن چین‌دار) شناخته می‌شوند و از آن جهت که شکلی شبیه به قلعه کوه دارند، نیز قابل توجه هستند. و «تیرکسپه کیستو (tirkespe kystau)» «اقامتگاه‌های زمستانی درهم‌تنیده»، «توکال تم (tokal tam)» «خانه کم‌ارتفاع» و «کورژین اوی (korzhyn uy)» «کلبه‌ای با یک راهروی ورودی در میانه»، گرچه تأثیرگذار نبودند، اما نمونه‌ای از سادگی، هماهنگی و دقت عمل در معماری هستند. ویژگی گنبد در سازه‌های آسیای مرکزی، ایده اطمینان از یک‌پارچگی سازه‌ها، از جامعه عشایری ساکن دشت قپچاق (Desht-i Kipchak) آمده است.» (Zhanibekov, 1995: 10) (شکل - ۱)



شکل ۱. یورت عشایر

افضل‌الدین کرمانی مورخ ایرانی اشاره می‌کند که همه این کاروانسراها، مناره‌ها، مدارس و مقبره‌ها در دوره شاهان و امیران سلجوقی ساخته شده‌اند. (کرمانی، ۱۹۷۹: ۳۰)

در دوره سلجوقیان، معماری اسلامی با انواع ساختمان‌ها و سازه‌های این نوع جدید و اشکال مختلف آن جان تازه‌ای گرفت. مانند آتن در یونان و روم در ایتالیا، شهر اصفهان که پایتخت سلجوقیان بود، در تاریخ معماری ایران به شهر بزرگی در خاورمیانه تبدیل شد. (Voronina, 1969: 146)

در دوران فرمانروایی ترکان، مقبره‌های بسیاری در ایران ساخته شد. در هر صورت، شکل مقبره‌های افراد مذهبی و غیرمذهبی با هم متفاوت بود. فرمانروایان برای خود مقبره‌هایی می‌ساختند که بالای آن مخروطی (مانند چادر) و مناره‌شکل بود. مقبره‌های بزرگان مذهبی، مانند امام‌زاده‌ها، مکعبی‌شکل با سقف گنبدی ساخته می‌شد. با توجه به این واقعیت که افراد مقدسی در آنجا به خاک سپرده می‌شدند، مکان‌های مقدسی هم محسوب می‌شدند. از اولین مقابر از این دست می‌توان به مناره سنگ‌بست در جنوب شرقی مشهد، مناره جبل‌سنگ (Jebelisang minaret) در نزدیکی شهر کرمان، مقبره رادکان (دوازده امامی) یزد (اواخر قرن دوازدهم)، گنبد قابوس (قرن یازدهم)، ورامین (قرن دوازدهم) اشاره کرد. (شکل-۲)



شکل ۲. گنبد قابوس (قرن یازدهم)

سایر ترک‌هایی که بعد از سلجوقیان به ایران آمدند (عشایر دوره مغول - ترک تاریخ ایران) نیز به غنای فرهنگ محلی کمک کردند. هولاکو و پیروانش به کمک‌هایی که به پیشرفت فرهنگ و تمدن مردم تحت حکومت خود می‌کردند، معروف بودند. (Hug,1970:94) درست است که ایشان در سی سال اول مشغول نابود کردن همه چیز بودند، اما پس از آن، فرهنگ قلمروهای تحت حاکمیت آنان دوران اوج را تجربه کرد و دوران هولاکو و اولجایتو به دوره شکوفایی فرهنگ و نوآوری تبدیل شد. (Palolesi,1983:5)

در دوره ایلخانی، نقوش و اشکال تزئینی موروثی دوره غزنویان و سلجوقیان توسعه یافت. (Voronina,1969:159) ویلبرت (Wilbert) درین باره می‌گوید:

تأثیر جهان بینی ترکها- سلجوقیان... ۷۳

«معماری دوره ایلخانی بیش از هر زمان دیگری در پیوند با سبک ساختمانی دوره سلجوقی و بسیار نزدیک به آن است» (Wilbert, 1968:33).

مسافران اروپایی که به سرزمین‌های هموار (استپ) آسیای مرکزی سفر کردند، نمی‌توانستند در توصیف سنت‌های ترک‌ها و مغول‌ها، از یورت‌ها صرف‌نظر کنند. مارکو پولو خا نه‌های آنان را دایره‌ای و از جنس چوب توصیف می‌کند که هر جا می‌روند، آن‌ها را با خود می‌برند. سبک هستند و میله‌های آن‌ها با تسمه‌هایی از جنس پوست خام به هم بسته می‌شوند. ورودی خانه مستقیماً رو به سوی جنوب است. کودکان و زنان، یورت‌ها را بار گاری می‌کنند و گاری‌ها را با شتر یا گاو نر می‌کشند. (Marco Polo, 1956:99) روبروک (Rubruk) نوشته است: «عشایر روکشی از نمد سفید برای خانه می‌ساختند و برای آن‌که درخشان شود، آن را با سنگ آهک، ماسه سفید و پودر استخوان می‌سوزاندند و گاه آن را با نمد سیاه می‌پوشاندند.» علاوه بر این، او نقاشی خود را نیز از خانه‌ای که روی گاری بسته شده، ضمیمه کرده است. (Carpini, Rubruk, 1993:245) (شکل - ۳)



Hotenai Tatars.

شکل ۳. خانه‌ی تاتارها به نقل از روبروک

همان گونه که دی. ویلبرت می‌نویسد، مغول‌ها در زمان ورود به ایران در یورت زندگی می‌کردند. (شکل - ۴) در دوران ابوسعید، ایلخانان زمستان را در دشت‌های گرم (سوزان) آذربایجان و تابستان را در کوهستان‌های آذربایجان در غرب می‌گذراندند. چادرهایی که در آنجا دوخته می‌شدند، بی‌نهایت زیبا بودند. ارغون (Arghun) در یورت‌هایی از پارچه زربفت از هولاکو پذیرایی کرد که با هزار میخ طلا به زمین کوبیده شده بودند. مغول‌ها زمستان خود را در شهر اوجان (Urjan) می‌گذراندند که تنها از یورت تشکیل شده بود. یک بازار و مسجد نیز به‌طور موقت در این شهر برپا شد که با فرارسیدن تابستان، سوزانده شدند. ایلخانان در هنگام توقف از صنعتگران و کارگران محلی استفاده می‌کردند. (Wilbert, 1968: 117)



شکل ۴. چنگیزخان در یورت (مینیاتور ایرانی از سده‌های میانه)

نتایج: اگرچه زمان ساخت و سبک این بناها خود گویای مسائل بسیاری هستند، اما اکثر محققان نمی‌توانند آن را توضیح دهند. وی. ال. ورونینا، هدف و منشاء این شکل از مقابر را نامعلوم می‌داند. وی معتقد است این مقابر می‌تواند با برخی نمونه‌های باستانی عبادت در میان ایرانیان در ارتباط باشد. (Voronina, 1969:155) مورخ شناخته‌شده، ا. گرابار (O. Grabar)، نیز شرح دلیل ساخت مناره‌هایی از نوع مناره ورامین در تهران را دشوار می‌داند، که از شاخصه‌های قرن دوازدهم است. مطابق نظر وی: «شاید این نوع کاربری، شکل اصلاح‌شده‌ای از اشکال ساسانیان باشد. اگر چنین باشد، این اشکال را باید احیا و یا حاصل بذر معماری ساسانیان دانست. شاید بتوان این را سبک جدیدی دانست که تحت‌تأثیر حاکمان ترک برخاسته از شرق، ظهور کرده است. در این صورت، نباید این آثار را بناهای «سلجوقی» بنامیم؟» (Grabar, 1993:116) به این ترتیب، او مسئله را مفتوحه نگه داشت. طبق نظر او راه‌حلی برای این مسئله پیدا نشده و این موضوعی است که نیازمند تحقیقات بیشتر است.

خاص بودن آرامگاه‌های ترک‌ها که به شکل مناره و خیمه ساخته می‌شوند، زمینه را برای ملاحظه آن‌ها در قالب شکل‌هایی جهان‌بینانه از تمدن عشایر فراهم می‌آورد. دلیل اصلی همزمانی ساخت مزارهای مناره‌ای با ورود ترکان به سرزمین ایران بود. بی. ویمارن (B. Weymar) و تی. کاپترووا (T. Kaptereva) یادآور می‌شوند که حتی محققان شوروی نیز به ایده ارتباط بین مقبره‌های دارای سقف‌های چادرمانند با سازه‌های مقبره‌ای باستانی مردمان شمالی (عمدتاً ترک) آسیای مرکزی اشاره کرده‌اند. در همین راستا، مطالعات دانشمندان قزاق روی این نوع ساختارهای همگن که در قزاقستان واقع شده‌اند، به حل این مشکل کمک می‌کند. ام. ام. مندیکولوف، (M.M. Mendykulov) محقق قزاقستانی، بر این باور است که «گروه بزرگی از مقبره‌هایی که در سرتاسر قلمروی وسیع قزاقستان و نواحی شمالی خوارزم پراکنده شده‌اند، به دلیل شکل مخروطی یا هرمی که دارند، به زبان علمی تحت عنوان چادر

(برج - ژ.ژ.) خوانده شده‌اند. (Mendikulov, 1987:35) وی این واقعیت را هم‌چنین، یادآور می‌شود که این آرامگاه‌ها در قلمروی آتیرائو (Atyrau)، نواحی اورال و اوست‌یورت (Usturt) بی‌شمار هستند و مقبره‌های خشتی در مجاورت سیردریا نواحی جنوبی و مرکزی قزاقستان، یافت می‌شوند.

یکی از این بناها مقبره کورکیت‌آتا (*Korkyt Ata*) است که از خشت پخته ساخته شده و شاخصه‌اش شکل گرد و گنبد هرمی شش‌ضلعی آن است. فضای داخلی این بنای تاریخی که ویژگی‌های معماری دلتای سیردریای باستانی را دارد، شبیه ورودی یک یورت است. بناهای خشتی اویتاس (*Uytas*)، کوسایتاس (*Kosuytas*)، توگیسکن (*Tugisken*) که شبیه مقبره کورکیت هستند، به قرون هشتم تا دهم، یعنی دوره اوغوز-قپچاق (*Oghuz-Kipchak*) باز می‌گردند. (Mendikulov, 1987:38) محققان مقبره‌های کوزی‌کورپ (*Kozy Korp*) و بایان سولو (*Bayan Sulu*) در سمی پالاتینسک (*Semipalatinsk*)، مقبره بیگیم‌آنا (*Begim Ana*) و سارامان‌کوزا (*Saraman Koza*) در مجاورت سیردریا را مربوط به دوره اوغوز-قپچاق می‌دانند، که حتی قبل از دوران اسلامی در این مناطق بنا شده‌اند. (Margulan A.Kh. Akishev K.A. Kadyrbaev M.K. Orazbaev A.M., 1966:99) (شکل-۵) به عبارت دیگر شبیه مقبره‌هایی به نام «دین» (*Dyn*) هستند (مانند دومبائول) که به دوران هون‌ها (*Huns*) برمی‌گردند.



شکل ۵. مقبره بایان سولو

مقبره‌هایی از این دست در قلمرو روسیه کنونی نیز یافت می‌شوند. به عنوان مثال، مقبره کیسی (*kesene*) (برج تاملرن (*Tamerlane*))، مقبره‌ای تاریخی است که به قرن چهاردهم بازمی‌گردد و در منطقه چیلیابینسک (*Chelyabinsk*)، در سه کیلومتری شرقی ناحیه مرکزی وارنا (*Varna*)، ساحل دریاچه پیش‌آمده بولشویه کیسین (*Bolshoye Kesene*) قرار دارد.

(شکل-۶)



شکل ۶. برج تامرلن

جالب توجه است که این مقبره که به عنوان مثال ذکر شد، واقعاً شبیه به یورت (چادر) است. همان گونه که کاستانیر (*Castanier*) درین باره نوشت که: شکل این مخروط خیلی شبیه بناهای «مالاخای قرقیزستانی» (*Kyrgyz Malakhai*) است که در قسمت‌های مختلف «سرزمین قرقیزستان» یافت می‌شود.» (*Castanier, 1911:42*) ای. مارگولان (*A. Margulan*) خانه‌های آندرونوف (*Andronove*) را که در حفره بوگلی (*Bogeli*) در قزاقستان یافت شده‌اند، به نمونه‌ای باستانی از یورت نسبت می‌دهد. (*Margulan 1966:228*)، اطلاعاتی که اکنون به آن‌ها می‌پردازیم، مؤیدی بر این واقعیت هستند. در

سال ۱۹۳۹، جی. ان. پاتسویچ (G.N.Patseevich) در طی کاوش‌های باستان‌شناسی خود، مقبره‌هایی با ورودی شبیه به یورت پیدا کرد. (Baibosynov, 2001: 226)

خانه‌های زمستانی نزدیک شهرهای قرون میانی که به عنوان محل قشلاق استفاده می‌شدند، به شدت شبیه مقبره‌های متداول مسلمانان در سرزمین‌های یک‌جانشین هستند. مدت‌ها قبل از سلجوقیان نیز ترکانی که به سرزمین ایران می‌آمدند، در ساخت سازه‌های برجی نقش داشتند. به این ترتیب، مقبره‌های برج‌مانند در معماری ایرانی به زمان حضور ترکان پیش از سلجوقیان بازمی‌گردند و در دوران سلجوقیان نیز رونق گرفته‌اند. به عنوان مثال، اصطخری در توصیف اطراف سیستان (جنوب شرق ایران) می‌نویسد: «خلج از قبایل ترک هستند که پیش‌تر به این‌جا (سیستان) آمده‌اند و مقبره‌ای بین هند و سیستان بنا کرده‌اند. خلج‌ها از نظر ظاهری شبیه ترک‌ها هستند. آداب و رسوم ترک‌ها را دارند و همه به زبان ترکی صحبت می‌کنند». (اصطخری، ۱۹۶۸: ۱۹۶)

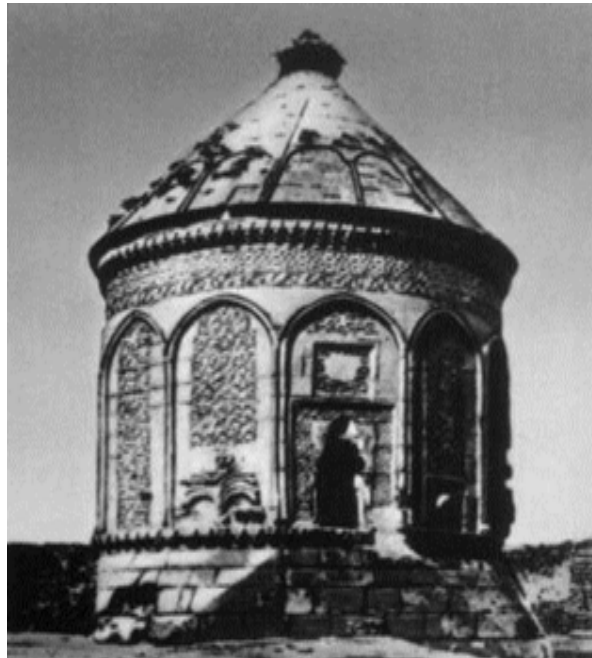
اکنون نیز برخی قبایل ترک ایران از نوعی یورت استفاده می‌کنند که آلاچیق نام دارد. آلاچیق در اصل خانه خشتی یا چوبی اقوام تاتارمیشار (Mishar) و کومیکس (Kumyk) بود که دو شیب مختلف داشت و با اجاق خشتی گرم می‌شد. (شکل - ۷)



شکل ۷. خانه‌های سنتی سخاها

در منطقه گلدن هورد (Golden Horde) نیز روند مشابهی طی شد. ای. فنودوروف - داوودف (A. Feodorov - Davydov) اشاره می‌کند که در معماری این منطقه که نشانه‌هایی از یک امتزاج فرهنگی قابل ملاحظه است، می‌توان آثار فرهنگ‌های مختلف را مشاهده کرد: «ویژگی‌های آسیای مرکزی را می‌توان در خانه‌های ردیفی مسلمان دید: دیوارهای خانه‌ها عمدتاً از جنس ساختاری چوبی به شکل «کرگ» (Kerege) دیوار یورت - ژر) و روی شالوده‌ای آجری بنا شده‌اند. ظاهر مربع‌شکل خانه‌ها شبیه یورت بود.» (Feodorov - Davydov, 1976: 122)

در ابتدا، مقبره‌های برجی در شرق ایران (خراسان) گسترش یافت، سپس با پیشروی ترک‌ها به مرکز جهان اسلام، در قسمت‌های غربی نیز پراکنده شد. به‌عنوان مثال، سازه آرامگاه مؤمنه‌خاتون (قرن دوازدهم) ساخته‌شده در نخجوان به این نوع ساختار تعلق دارد. ظاهر این سازه‌ها شبیه یورت است. امیران ترک که تمام عمر خود را در یورت زندگی می‌کردند، مقبره‌هایی شبیه به آن می‌ساختند. کلیساهای مسیحی در آسیای صغیر، عراق و ارمنستان نیز به این سبک ساخته شده‌اند. (Feodoro-Davydov, 1976: 75) باید اضافه کرد، معمارانی که به اروپا مهاجرت کرده‌اند نیز شکل این سازه‌ها را با خود به آنجا برده‌اند. محقق ایتالیایی، پیرسون پالسی (Pierson Palolesi)، اشاره می‌کند که معماران ایتالیایی، برونلسکی (Brunleschi) و گیبرتی (Ghiberti)، کلیسای بیزانسی "سانتا ماریا دل‌فیوره" (Santa Maria Del Fiore) را در سال‌های ۱۴۱۹-۱۴۱۸م. بر اساس مدل مقبره سلطان‌نوس (Sultanius) ساختند. مسجد بوسا (Brusa Mosque) و کلیسای سن‌لارنتیا (Church of San Laurentia) در ترکیه نیز به این سبک ساخته شده‌اند. (Palolesi, 1983: 39) (شکل - ۸)



شکل ۸. مناره ورامین (قرن دوازدهم)

نتیجه گیری

با توجه به آنچه اشاره شد، می توان نتیجه گرفت که شکل مقبره های برجی ایران متأثر از ایده سکونتگاه های سنتی ترکها بوده است. ان. شاخانوا (N. Shakhanova) معتقد است که همه فرهنگ های سنتی یک نوع خانه «ایماگو موندی» (imago mundi) ، (تصویری از جهان) دارند. همان طور که وی به درستی اشاره می کند، ایده «شنیراک» (Shnyrak)، در خانه مستقیماً با روحیه گذشتگان در ارتباط بوده است. (N.Shakhanova,1997:25) ساختار بالای مقبره با مدل سازی فضایی قراقها در پیوند است که ریشه در آداب و رسوم ترکها دارد. بی. تی. تویاکباووف (B.T. Tuyakbaev) تزئینات کتیبه ای معماری کشورهای مسلمان را برآمده از دوران شکوفایی خلافت نمی داند، بلکه در پیوند با دوران سلسله های ترک طولونیان،

آل‌اخشید، قره‌خانیان و سلجوقیان می‌دانند. (B.T.Tuyakbaev,1989:164) آرایه‌های کتیبه‌ای شبیه فنر یک تله و همچنین، نوعی نگارش سلسا (*Sulsa*)، شبیه به تزئینات حیوانی، در قرن یازدهم (دوره سلجوقیان) شکل گرفته است. این سازه‌ها پیوند مستقیمی با سبک مناره‌های شمال ایران دارند و نسخه‌ای از جهان‌بینی عشایر آسیای مرکزی هستند. (همان، 77) تأثیر ترک‌ها را می‌توان در سرزمین‌هایی که فتح کرده‌اند، مشاهده و جهان‌بینی و فرهنگشان را از روی آن‌ها قضاوت کرد. درک معنا و ماهیت آثار متعددی که در خاک ایران ساخته‌اند، بدون درک تصویر جهان از دید ترک‌ها، بسیار دشوار است. مفهوم ساخت و طراحی این آثار را تنها با توجه به جایگاه تمدن و جهان‌بینی عشایر می‌توان توضیح داد.

کتابنامه

Baybosynov K. Olkemizdegi kone nanyim-senimder men dini agymdar //materialy mezhdunarodnoy konferentsii «Kazakhstan i Tsentral'naya Aziya: istoriya, sovremennost' i perspektivy razvitiya. tom I. 29-31 maya, 2001g. -Taraz. –S.112-133. (na kaz. yaz.).

Veymarn B., Kaptereva T. Iskustvo Sredney Azii i Iran//artyx.ru 3. Vil'ber Donal'd.N. Ma'morie Islami dar doureye Il'khanion. Audargan Abdolla Fariod. -Tekhran: Modzharad, 1346 g. -333s. (na pers. yaz.).

Voronina V.L. Arkhitektura srednevekovogo Irana // Vseobshchaya istoriya arkhitektury. VII t. -Moskva: MGU, 1969. – S.136-169.

Graber A. Khonarkhoye tadzhasmi. 442-751kh/1050-1350m // Tarikhe Iran az omadane salzhuk ion ta foruposhie daulate il'khanion. - Pezhukheshe doneshgakhe Kembridzh. -Tekhran: Amir Kabir, 1371g.kh. –S.46-63. (na pers. yaz.).

Zhanibekov O. Zholayrykta. -Almaty: Rauan, 1995g. -163s. (na kaz. yaz.). 7. Zarrinkub A. Kornomeye eslami. -Tekhran: Shakhid Bekheshti, 1375 kh.g. –S. 30. (na pers. yaz.).

Kermani Afzal ad-din. Tarikhe Afzal. -Tekhran, Khonarmand, 1979, -330s. (na pers. yaz.).

Istakhri, Abu Iskhak. Masolek va mamolek. -Tekhran: VTNK. 1347 g/kh. -37s. (na pers. yaz.).

Kastan'ye A.I. Drevnosti kirgizskoy stepi i Orenburgskogo kraya. -Orenburg. 1911. -242s.

Kniga Marko Polo. -Moskva: Gosudarstvennoye izdatel'stvo Geograficheskoy literatury. 1956. -359 s.

Kunel' E. Khonare Islami. perevod Khurshang Tokheri. -Tekhran: Tus, 1355 g.kh. -395 s. (na pers. yaz.).

Margulan A.KH., Akishev K.A., Kadyrbayev M.K, Orazbayev A.M. Drevnyaya kul'tura Tsentral'nogo Kazakhstana. -Alma-Ata: Gylym, 1966. -328 s.

Mavzoley Kesene ili Bashnya Tamerlana// <http://oksmih.livejournal.com/218026.html>). 15. Mendikulov M.M. Pamyatniki narodnogo zodchestva Zapadnogo Kazakhstana. -Alma-Ata: Oner, 1987. -235 s.

Palolezi. Ta'sire ma'morie konbade Soltaniyeye Iran be sokhtemone konbade Santa Mariya del Fiorie Italiya. Perevod Reza Kasoy. -Tekhran: Modzharad, 1361 g.kh. -45 s. (na pers. yaz.).

Puteshestviya v vostochnyye strany Plano Karpini i Gil'oma de Rubruka. -Almaty: Gylym. 1993 g. – 248 s.

Tuyakbayeva B.T. Epigraficheskiy dekor arkhitekturnogo kompleksa Akhmeda Yassavi. -Almaty, Oner, 1989. -264s.

Feodorov-Davydov G.P. Ocherki kul'tury i isskustva narodov Yevraziyskikh stepey i Zolotoordynskikh gorodov. -Moskva: Isskustvo, 1976. -322 s.

Fedorov YA.A., Fedorov G.S. Arkhitekturnyye traditsii kumykov// <http://kumukia.ru.swtest.ru/article-9252.html>

Shakhanova N. Mir traditsionnoy kul'tury kazakhov. -Almaty, Nauka, 1997. -225s.

Khug Dzh. Khonare ma'mori dar sarzaminkhoy islami. Perevod Parviz Varzhovand. -Tekhran: Tegeranskiy universitet, 1348 g.kh. -294 s. (na pers. yaz.).